



مرکز تحقیقات اسلامی

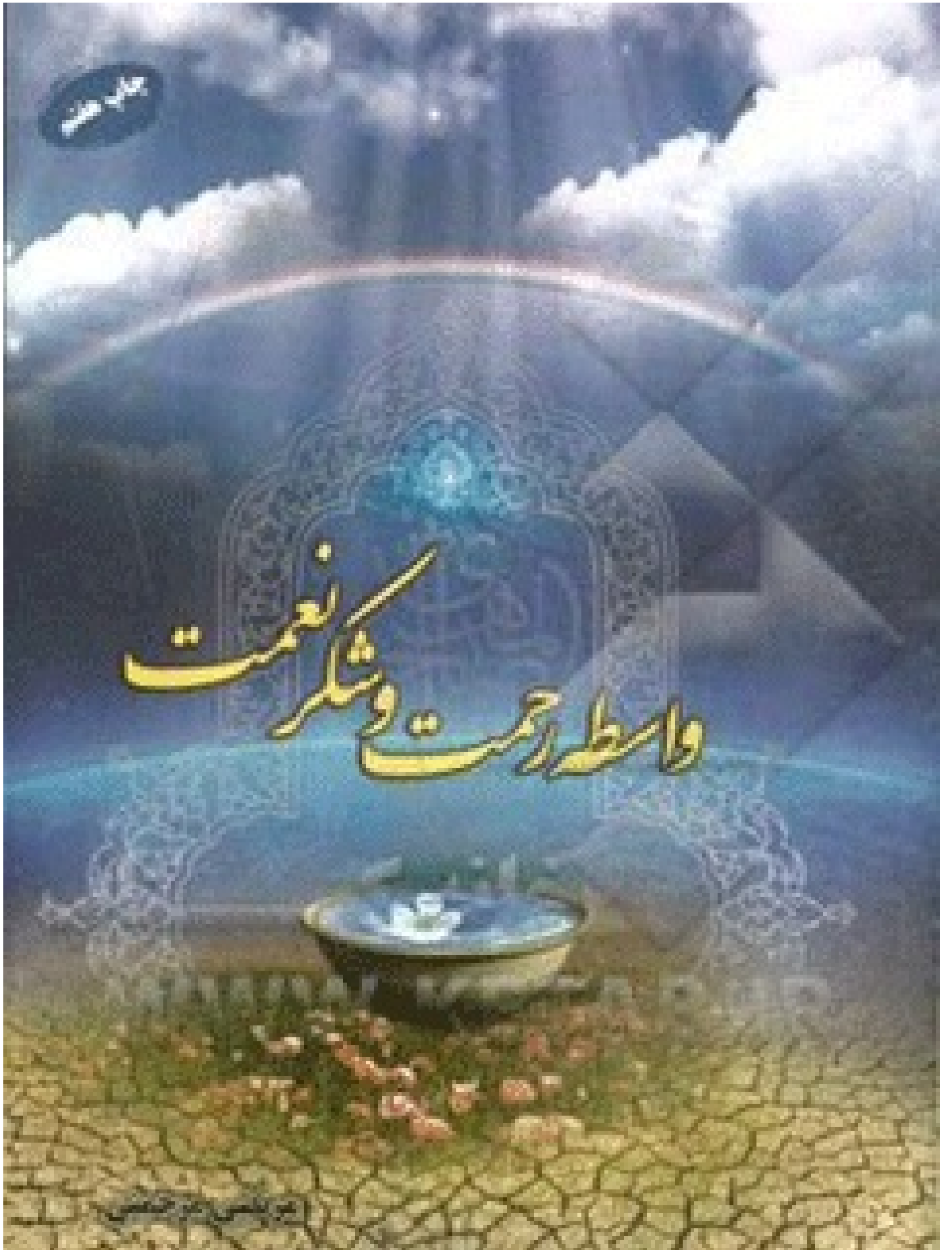
اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# و اطاعت و شکر نعمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# واسطه رحمت و شکر نعمت

نویسنده:

مرتضی مرحمتی

ناشر چاپی:

ولایت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	واسطه رحمت و شکر نعمت
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	پیش گفتار
۱۳	اشاره
۱۶	اولین روایت:
۱۶	دومین روایت:
۱۶	سومین روایت:
۱۷	چهارمین روایت :
۱۸	پنجمین روایت:
۲۱	بخش اول : معانی و چهره های شکر
۲۱	اشاره
۲۳	معنای شکر در لغت
۲۴	چهره های شکر
۲۴	۱- شناخت نعمت
۲۵	۲- ستایش به زبان
۳۰	۳- سجده شکر
۳۲	۴- نماز شکر
۳۳	۵- اجتناب از محرّمات الهی:
۳۷	بخش دوم: ارزش گزاری نعمت از دیدگاه خداوند
۳۷	اشاره
۴۰	سؤال از نعمت نشانه اهمیت آن نعمت است:
۴۰	اشاره

۴۰	.....	روایت اول:
۴۲	.....	روایت دوم:
۴۶	.....	روایت سوم:
۴۷	.....	روایت چهارم:
۴۹	.....	ولایت ائمه معصومین علیهم السلام اعظم النعم
۴۹	.....	دلیلی از روایات:
۵۰	.....	دلیل عقلی:
۵۱	.....	آیا با ارزش ترین نعمت سزاوار برترین شکر نیست؟
۵۲	.....	در عصر کنونی چگونه می توان به درگاه خدای متعال به خاطر نعمت و موهبت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شکر و سپاسگزاری نمود؟
۵۶	.....	نقش دعا در زمینه معرفت:
۶۱	.....	امام واسطه رحمت و ولی نعمت
۶۷	.....	چهره های دیگر شکرگزاری نعمت وجود امام زمان علیه السلام:
۷۷	.....	منابع مورد استفاده
۷۹	.....	فهرست مطالب
۸۳	.....	سؤالات مسابقه
۸۷	.....	پاسخنامه
۸۸	.....	درباره مرکز

سرشناسه: مرحمتی، مرتضی، 1358-

عنوان و نام پدیدآور: واسطه رحمت و شکر نعمت [کتاب] / مرتضی مرحمتی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات ولایت، 1394.

مشخصات ظاهری: [79] ص.؛ 21/5×14/5 س م.

شابک: 28000 ریال 7-22-6172-964-978

یادداشت: چاپ هفتم.

یادداشت: چاپ پنجم: 1390.

یادداشت: کتابنامه: ص. [71]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: رحمت الهی (اسلام)

موضوع: Mercy -- God (Islam)

موضوع: شکر -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: \*Gratitude to God -- Religious aspects -- Islam

رده بندی کنگره: 8/BP219/4م 1394 2و

رده بندی دیویی: 297/42

شماره کتابشناسی ملی: 3633991

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2



اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى  
تَسْكُنَهُ أَزْوَاجُكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعُهُ فِيهَا طَوِيلًا

ص: 3

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا

ص: 4

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيٍّ بِنِ مُوسٰى الرِّضَا الْمُرْتَضٰى ، الْاِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَ حُجَّتِكَ عَلٰى مَنْ فَوْقِ الْاَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ  
صَلَاةً كَثِيْرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتْرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّحْمِيْنَ

ص: 5

واسطه رحمت و شکر نعمت

مرتضیٰ مرحمتی

ص: 6

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا آلَهَمَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَكْرَمِ وَ وصيه بِالْحَقِّ الْفَارُوقِ  
الْأَعْظَمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْلَادِهِ الْمَعْصُومِينَ الْمُتَّبَعِينَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ لَاسِيهَا سَهْفٌ فِي نَجَاةِ الْأُمَّةِ وَ طَاوُوسِ  
أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ وَ اللَّعْنَ الدَّائِمَ عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ وَ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ .

## پیش گفتار

### اشاره

خداوند متعال نعمتهای فراوانی به ما انسانها عطا نموده است. کافی است به خود و اطرافمان با دقت بنگریم. هیچکدام از ما در به دنیا آمدن و حیات کوچکترین نقشی نداشتیم.

خداوند حکیم و رحیم به اقتضای رحمت گسترده و بی پایانش ما را خلق کرده و نعمت های فراوان از جمادات، گیاهان و حیوانات در اختیار ما قرار داده است. او بر ما منت نهاد و اولین نعمت یعنی نعمت پیدایش و حیات را به ما بخشید. او ما را خلق کرد و در همه

ص: 7

حال قیوم ماست. یعنی اگر لحظه ای و کمتر از لحظه ای عنایتش را از ما بردارد نیست و نابود می شویم.

نعمتهای پروردگار به قدری زیاد است که اگر در صدد آن برآئیم که این نعمتها را به شماره در آوریم چنانچه تمام درختان روی زمین کاغذ شوند و تمام دریاها مرکب شوند، کاغذها تمام و مرکب دریاها خشکیده خواهد شد ولی نعمتها به شمارش در نخواهد آمد چنانکه خود خداوند در قرآن کریم به این حقیقت تصریح نموده است:

« وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا » (1)

طبعاً با توجه به اینکه نعمت حیات و سایر نعمتهای بی شمار از سوی پروردگار متعال می باشد، انسان نه تنها به دنبال بقای نعمتها و متنعم بودن به آنها می باشد بلکه سعی دارد نعمتهای بیشتری از سوی خداوند متعال بدست آورد.

به عنوان مثال یک رعیت و بنده را در نظر بگیرید که همه امکاناتی که در اختیار او می باشد از مالک خود بدست آورده است، چنانچه بخواهد همیشه مورد لطف و عنایت مالک خویش بوده تا از مواهب او به طور مستمر بهره مند باشد و یا اگر بخواهد مورد

ص: 8

---

1- سوره ابراهیم: 34. اگر در صدد شمارش نعمتهای خدا بر آید نخواهید توانست آنها را به شماره در آورید.

عنایت بیشتری از سوی او قرار گیرد در صدد برمی آید که بداند چه کارهایی موجب خشنودی او می گردد و با انجام چه کارهایی می تواند بیشتر مورد تقد و قرار گیرد. تا همان کارها را انجام دهد و در نتیجه زمینه برخورداری بیشتر از عطایای وی را برای خود فراهم آورد.

اکنون یک بندهٔ عاقل و زیرک که می خواهد از دریای رحمت بیکران الهی هر چه بهتر و بیشتر توشه بردارد حتما این سؤال در ذهن او نقش می بندد که چه باید کرد تا نه تنها نعمتهای ذات حق جل و علا از دستش بیرون نرود که لحظه به لحظه بر آنها افزوده شود؟

به عبارت دیگر باید دید خداوند متعال چگونه نعمتهایش را افزایش می دهد؟

جواب این سؤال را قادر متعال، خود در قرآن کریم برای ما بیان فرموده است. آنجا که می فرماید:

« لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ » (1)

چنانچه شکر گزار نعمتهای من باشید آنها را برای شما افزایش میدهم و اگر کفران نعمت کنید دچار عذاب من خواهید شد.

ص: 9

شکر نعمت نعمت افزون کند \*\*\* کفر، نعمت از کفت بیرون کند

آری در دیدگاه قرآن مجید عامل بقا و افزایش نعمتها «شکر» می باشد.

فرمایشات ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین هم تذکر به همین رهنمود خدای تعالی می باشد.

اکنون به این روایات توجه کنید:

### اولین روایت:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ يَشْكُرِ اللَّهَ يَزِدْهُ اللَّهُ (1)

هر کس خدای متعال را در برابر نعمتهایش شکر کند پروردگار آنها را افزایش میدهد.

### دومین روایت:

عن أمير المؤمنين عليه السلام: وَشُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (2)

سپاس گزاری نعمتهای خداوند متعال باعث افزایش رزق و روزی انسان می گردد.

### سومین روایت:

عن أبي عبد الله سلام الله عليه أنه قال: يَا مُعَاوِيَةَ مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثَةَ لَمْ يُحْرَمْ

ص: 10

---

1- بحار الأنوار 74: 41 ح 32

2- بحار الأنوار 71: 44 ح 46



ثلاثة: مَنْ اعطِيَ الدَّعَاءَ اعطِيَ الإِجَابَةَ مَنْ اعطِيَ الشُّكْرَ اعطِيَ الزِّيَادَةَ وَمَنْ اعطِيَ التَّوَكُّلَ اعطِيَ الكِفَايَةَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ:  
(ومن يتوكل على الله فهو حسبه) ويقول: (لئن شكرتم لأزيدنكم) ويقول: (ادعوني أستجب لكم). (1)

امام صادق عليه السلام به معاويه بن عمار فرمودند: ای معاويه به هر کس توفیق انجام سه عمل عطا شود وی از سه چیز محروم نخواهد شد :

اول: به هر کس توفیق دعا داده شود دعای او به اجابت خواهد رسید.

دوم (که منظور نظر بحث ماست) هر کس توفیق شکر نعمت به او عطا شود از فزونی نعمت محروم نمی شود.

سوم، هر کس که موفق به توکل بر خدا شود از نعمت «استغناى از غیر

خدا» محروم نمی شود و خداوند متعال او را کفایت خواهد نمود.

### چهارمین روایت :

عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجُهَنِيِّ قَالَ: أَوْصَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَعْضَ وُلْدِهِ فَقَالَ: يَا بُنَيَّ اشْكُرِ اللَّهَ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعَمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَةِ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ وَالشَّاكِرُ بِشُّكْرِهِ أَسْعَدُ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي وَجَبَ عَلَيْهِ الشُّكْرُ بِهَا وَتَلَا يَعْنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ

ص: 11

عليهما السلام قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: (وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) (1)

امام زین العابدین علیه السلام به یکی از فرزندان خود سفارش کردند:

ای پسر من خداوند متعال را به خاطر نعمتهایی که به تو عطا فرموده شکر گزار باش و به کسی که تو را - به خاطر عطاییت به او - سپاسگزاری می کند احسان کن زیرا نعمتی را که سپاسگزار باشی زوال نمی پذیرد آنچنان که با کفران باقی نخواهد ماند. هر آینه انسان شاکر در پرتو شکر خود نیک بخت تر می باشد از بهره مندی او از نعمتی که شکر آن بر او واجب شده است. سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «اگر شکر گزار من باشید نعمتهای شما را افزایش می دهم».

### پنجمین روایت:

قال ابو عبد الله عليه السلام: أيها عبد الله أنعم الله عليك بنعمته فعرّفها بقلبه و حمد الله عليها بلسانه لم تنفد حتى يأمر الله له بالزيادة وهو قوله (لئن شكرتم لأزيدنكم) (2)

هر بنده ای که خداوند متعال به او نعمتی عطا کند آنگاه بنده آن را بشناسد و خدا را بر آن سپاس گوید آن نعمت پایان نمی پذیرد تا افزایش یابد. و اینست مقصود از گفتار پروردگار متعال در قرآن کریم که می فرماید: «اگر شکر گزار من باشید نعمتهای شما را افزایش می دهم».

ص: 12

1- بحار الأنوار 71: 49 ح 66

2- بحار الأنوار 71: 42 ح 36

با دقت در آنچه گذشت به خوبی می توان یافت که عامل افزایش نعمتها از دیدگاه آیات قرآن مجید و فرمایشات پیشوایان معصوم علیهم السلام شکر نعمت و سپاسگزاری در پیشگاه باری تعالی است.

با توجه به اهمیت شکر، آیات و روایات را در پیرامون این مسأله بررسی می کنیم تا با معنای شکر و چهره های آن بهتر آشنا شویم.

سپس به دنبال جواب این سؤال می رویم که بزرگترین و مهم ترین نعمتی که خدای متعال به ما انسانها بخشیده است چیست؟ زیرا این نعمت هر چه باشد سزاوار بهترین و بزرگترین شکرهاست.

در ادامه بعد از بیان دلایل عقلی و نقلی در جهت اثبات این که برترین نعمت از ناحیه پروردگار متعال به انسانها ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می باشند، درصدد بیان آنیم که چگونه باید این بزرگترین نعمت را سپاس گفته و شکر گزار بود و به عبارت دیگر وظایف ما در قبال نعمت وجود مقدس ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین خصوصا حضرت ولی عصر سلام الله علیه چیست؟

امیدوارم نوشتن و خواندن این مطالب زمینه توجه هر چه بیشتر به ساحت مقدس ولی عصر حضرت حجت روحی و ارواح

العالمین لتراب مقدمه الفداء را فراهم آورده و ما را به انجام وظایفمان در جهت شکر نعمت وجود مبارک آن حضرت بیش از پیش متوجه سازد و موجبات خشنودی آن امام همام و مادر مظلومه و شهیده اش حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها را فراهم نماید.

سالروز تولد حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام

سوم شعبان المعظم یکهزار و چهارصد و سی و یک

مرتضی مرحمتی

ص: 14

بخش اول : معانی و چهره های شکر

اشاره

ص: 15



## معنای شکر در لغت

شکر در لغت به معنای سپاس‌گزاری، ثنا گفتن در برابر احسان و حق شناسی است.

راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید:

«الشُّكْرُ تَصَوُّرُ النَّعْمَةِ وَإِظْهَارُهَا وَيُضَادُّهُ الْكُفْرُ وَهُوَ نِسْيَانُ النِّعْمَةِ وَسَتْرُهَا»

شکر در لغت به معنای به یاد آوردن و تصویر کردن نعمت و آشکار کردن آن می‌باشد و در مقابل آن کفر است که به معنای فراموشی و پوشاندن نعمت است.

در لغت نامه دهخدا نیز شکر این گونه معنا شده است:

«شکر یعنی سپاس داشتن و ثنای نیکو گفتن خدای و هر محسن را بر احسان...»

سپاس داشتن، خدای را و ثنای نیکو گفتن مر او را و بجا آوردن آنچه را که واجب گردانیده از اطاعت و ترک معصیت... سپاس و ثنا گفتن منعم را به سبب حصول نعمت از او و آن دلالت می‌کند بر

تعظیم منعم به سبب انعام، خواه به زبان و خواه به قلب و خواه به ارکان و جوارح یعنی دست و پا... پاداش دادن خدای بنده را(1).

اکنون برای آشنایی با چگونگی شکر در برابر نعمتهای پروردگار به سراغ بیانات گهربار اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین می رویم زیرا آشنایی با این حقیقت همچون سایر حقایق در پرتو استمداد از فرمایشات ایشان می باشد.

## چهره های شکر

### 1- شناخت نعمت

عن أبي عبد الله سلام الله عليه قال: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا (2)

هر کس که خدای کریم به او نعمتی عطا کند آنگاه وی به آن نعمت معرفت داشته باشد پس شکر آن نعمت را بجای آورده است.

مرحوم مجلسی در ذیل این حدیث شریف می فرماید:

« فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ » ای عرف قدر تلك النعمه و ان الله هو المُنْعِمُ بها؛ یعنی « فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ » به این معناست که اولاً قدر نعمت و ارزش آن را بشناسد و ثانیاً آگاه و متوجه باشد که این نعمت از سوی

ص: 18

---

1- لغت نامه دهخدا 31:468

2- بحار الأنوار 71:32 ح 10 .



پروردگار عالم به او عطا شده است. در این هنگام شکر نعمت را بجای آورده است.

از این روایت به خوبی روشن می شود که شناخت نعمت و قدر و منزلت آن از یک سو و از سوی دیگر توجه به اینکه خدای کریم منعم و معطی نعمت است خود نوعی شکر و سپاسگزاری از نعمت محسوب می شود و این اولین گام شکرگزاری است زیرا هر گونه عمل و کاری که به عنوان سپاسگزاری از خدای کریم انجام شود لازمه اش شناخت منعم و شناخت قدر و ارزش نعمتی می باشد که به بنده عطا شده است.

## 2- ستایش به زبان

- عن علي بن الحسين عليها السلام، قال: من قال الحمد لله فقد أدى شكر كل نعمة لله عز وجل (1).

امام سجاد علیه السلام فرمودند: هر کس در برابر نعمت «الحمد لله» بگوید پس شکر خدای متعال را در برابر تمام نعمتهای او بجای آورده است.

. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ صَغُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِلَّا أَدَّى شُكْرَهَا (2).

ص: 19

---

1- بحار الأنوار 71:44 ح45

2- بحار الأنوار 71:32 ح9

هرگز خداوند متعال نعمتی (کوچک یا بزرگ) به بنده ای عطا نکند که آن بنده در برابر آن «الحمد لله» بگوید مگر آنکه آن نعمت را شکر کرده است.

از این روایت به خوبی روشن می گردد که ذکر زبانی «الحمد لله» خود یکی از نمودهای شکر نعمتهای خداوند متعال است.

اهمیت شکر زبانی بسیار زیاد میباشد به همین سبب قرآن کریم حضرت نوح علیه السلام را به عنوان بنده شاکر معرفی می نماید:

«إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (1).

همانا او - حضرت نوح علیه السلام - بنده ای بسیار شکور می باشد.

امام باقر علیه السلام در روایتی در ذیل این آیه می فرمایند:

حضرت نوح هر شب و صبح می گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ عَشْرًا فَسَمِّيَ بِذَلِكَ عَبْدًا شَكُورًا (2).

بار خدایا من شهادت می دهم که هر نعمتی یا عافیتی در دین و دنیا، صبح یا شب به من می رسد به تنهایی از توست و شریکی برای تو نیست.

ص: 20

---

1- سوره اِسرَاء: 3

2- تفسیر نور الثقلین 3: 136 ح 70

ستایش و سپاسگزاری مختص به توست و آن (ستایش و سپاسگزاری) بر من واجب می باشد. تا اینکه (به سبب شکر) خشنود شوی و پس از خشنودی (نعمت ما را روزافزون کنی) و این ذکر را در هنگام صبح ده مرتبه و شامگاهان نیز ده مرتبه می گفت و به این سبب بنده بسیار سپاسگزار خوانده شد.

امیر المؤمنین امام علی علیه السلام می فرمایند:

مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى النِّعْمَةِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَكَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النِّعْمَةِ (1).

هر کس خداوند را در برابر نعمتی که به او عطا کرده ثنا گوید شکر کرده است و حمد و ثنای خداوند از آن نعمت افضل می باشد و ارزش بیشتری دارد.

مرحوم علامه مجلسی در ذیل این حدیث در کتاب شریف بحار الأنوار بیان زیبایی دارند، ایشان می فرمایند:

توفیق الحمد نعمه آخری افضل من النعمه الأولى و يستحق بذلك شكرا آخر فلا يمكن الخروج عن عهده الشكر فمنتهى الشكر الاعتراف بالعجز .

توفیق یافتن بنده برای حمد و سپاس خداوند متعال نعمتی دیگر غیر از آن نعمتی است که بر آن شکر می کند و از آن نیز افضل است پس بنده به واسطه این نعمت دوم یعنی نعمت «توفیق شکر» باید خداوند را سپاس و حمد گوید پس خارج شدن عبد از زیر بار وظیفه شکر گزاری امکان

ص: 21

ندارد و در انتها منجر به اعتراف بنده به عجز از شکر خدای متعال می‌گردد.

بنابر این بنده هیچ وقت نمی‌تواند حتی شکر یکی از نعمتهای خدا را بجای آورد، چون تا توفیقی از سوی خدای متعال یار و همراه نگردد از عهده شکر آن نعمت بر نخواهد آمد و در نهایت، شکر واقعی از یک نعمت خداوند، اعتراف بنده به عجز از شکر می‌باشد و از آنجا که انسان مخلوقی ضعیف و فقیر می‌باشد هرگز با گفتن «الحمد لله» شکر نعمت را به طور حقیقی و کامل به جای نیاورده است، زیرا که در گفتن همین «الحمد لله» نیز محتاج عنایت و توفیق پروردگار می‌باشد.

اکنون به این روایت توجه کنید:

قال الصادق عليه السلام: ... وَ تَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعاً لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنِ بُلُوغِ أَدْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا، وَ هِيَ أَعْظَمُ قَدْرًا وَ أَعَزُّ وَجُودًا مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَفَّقْتَ لَهُ فَيَلْزِمُكَ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ شُكْرٌ أَعْظَمُ مِنْهُ إِلَى مَا لَا نِهَائَةَ لَهُ مُسْتَعْرِقًا فِي نِعْمَتِهِ قَاصِرًا عَاجِزًا عَنِ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ وَ أَنَّى يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ مَتَى يَلْحَقُ صَنِيعُهُ بِصَنِيعِهِ وَ الْعَبْدُ ضَعِيفٌ لَا قُوَّةَ لَهُ أَبَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَ اللَّهُ غَنِيُّ عَنِ طَاعَةِ الْعَبْدِ قَوِيٌّ عَلَى مَزِيدِ النِّعَمِ عَلَى الْأَبَدِ فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا

ص: 22

شَاكِرًا عَلٰی هٰذَا الْاٰصْلِ تُرَى الْعَجَبَ (1).

امام صادق علیه السلام می فرماید: مصداق آشکارا و کامل شکر اعتراف زبان، قلب و دل همراه با خضوع به درگاه الهی نسبت به عجز از شکر کوچکترین نعمتهای خداوند است زیرا توفیق شکر گزاری خود نعمتی جدید است که شکر آن لازم است و نعمتی بزرگتر و مهمتر از نعمتی است که به شکر آن موفق شده ای.

بنابراین به دنبال هر شکر و سپاسگزاری از پروردگار شکری بزرگتر بر تو به طور بی نهایت لازم می شود در حالی که غرق در نعمتهای بی شمار الهی می باشی. نعمتهایی که عاجز و ناتوان از درک نهایت شکر آنها هستی.

اکنون چگونه بنده می تواند شکر نعمتهای خداوند را بجای آورد؟

و عمل و شکر بنده در برابر احسان خدا چه ارزشی دارد؟

با آنکه بنده ذاتا ضعیف و ناتوان است و هرگز از خود قدرتی ندارد مگر آنکه خدای کریم و رحیم به او عطا فرماید. و پروردگار متعال غنی بالذات است و هرگز به عبادت و اطاعت بندگان خود احتیاج و نیازی ندارد و او قدرت دارد که برای همیشه نعمتها و مواهب خود را بر بنده اش فزونی بخشد. پس با توجه به این اصل و حقیقتی که بیان شد پس تو برای خدا بنده ای شاکر و سپاسگزار باش آنگاه به گونه ای فضل و رحمت خدای را در زمینه زیادی نعمت مشاهده می کنی که تعجب خواهی کرد.

ص: 23

از دیگر چهره های سپاسگزاری خدای سبحان، سجده شکر می باشد. یعنی انسان به مجرد اینکه متنعم به نعمتی از نعمتهای خداوند متعال گردید با توجه و التفات به برخورداری نعمتی پیدا کرد در برابر خدای متعال به سجده افتد و در حالت سجده، شکر خدای متعال را به جای آورد.

امام صادق سلام الله علیه می فرمایند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله) كَانَ فِي سَفَرٍ يَسِيرُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ إِذَا نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا أَنْ رَكِبَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئاً لَمْ تَصْنَعْهُ فَقَالَ نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِي جِبْرَيْلُ (عليه السلام) فَبَشَّرَنِي بِبَشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا لِكُلِّ بُشْرَى سَجْدَةً (1).

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در سفری سوار بر شتر در حال حرکت بودند ناگهان حضرت از شتر پیاده شدند و پنج مرتبه به درگاه خدای متعال سجده کردند و سوار بر شتر شده راه را ادامه دادند.

یاران آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا از شما عملی را مشاهده نمودیم که آن را انجام نداده بودید؟

حضرت فرمودند: آری جبرئیل بر من روی آورد و از جانب خدای عزوجل به من چند بشارت (خبرهای خوش) داد پس من به درگاه خداوند

ص: 24

در برابر هر یک از آنها سجده کردم و او را شکر گفته و سپاسگزاری نمودم.

و همین گونه سپاسگزاری نیز از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است، هشام بن احمر می گوید:

كُنْتُ أَسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَى رِجْلَهُ عَنْ دَابَّتِهِ فَخَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ وَأَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَرَكِبَ دَابَّتَهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي (1).

روزی با حضرت کاظم علیه السلام در اطراف مدینه حرکت می کردیم ناگهان دیدم حضرت پای مبارکشان را جمع کرده و از رکاب خارج ساختند پس به حالت سجده به روی زمین صورت گذاردند و سجده را طولانی نمودند سپس سر مبارک خود را از سجده برداشته و سوار بر مرکب شدند.

آنگاه به ایشان عرض کردم؛ جانم فدای شما! چقدر سجده خود را طولانی نمودید؟

حضرت فرمودند: همانا یکی از نعمتهایی که خداوند به من عطا کرده را به یاد آوردم پس دوست داشتم که شکر خدای متعال را به جای آورم.

ص: 25

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: فِي صَلَاةِ الشُّكْرِ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَتَقْرَأُ فِي الثَّانِيَةِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَتَقُولُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى فِي رُكُوعِكَ وَسُجُودِكَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا وَحَمْدًا وَتَقُولُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فِي رُكُوعِكَ وَسُجُودِكَ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَأَعْطَانِي مَسْأَلَتِي (1).

امام صادق علیه السلام درباره نماز شکر می فرماید: هرگاه خداوند متعال به تو نعمتی عطا کرد پس - بشکرانه این نعمت - دو رکعت نماز بخوان. در رکعت اول سوره حمد و توحید و در رکعت دوم سوره حمد و کافرون بخوان.

در رکعت اول در رکوع و سجده خود می گویی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا وَحَمْدًا» و در رکوع و سجده رکعت دوم می گویی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَأَعْطَانِي مَسْأَلَتِي» حمد و سپاس مخصوص خدایی است که دعای مرا اجابت کرد و حاجت مرا برآورد.

ص: 26



## 5- اجتناب از محرّمات الهی:

به این روایات توجه فرمایید:

- عن أمير المؤمنين سلام الله عليه قال: شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ (1).

امیرالمؤمنین سلام الله علیه می فرماید: شکر هر نعمتی پرهیز از آن چیزی که خداوند حرام کرده است می باشد.

- عن أبي عبدالله عليه السلام قال: شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ.... (2).

امام صادق علیه السلام می فرماید: شکر نعمتهای الهی اجتناب از محرّمات است.

- قال الصادق عليه السلام: فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ، بَلْ أَلْفٌ وَأَكْثَرُ، وَأَدْنَى الشُّكْرِ رُؤْيُهُ النَّعْمَةَ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ، وَالرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ، وَأَنْ لَا تَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ، وَتُخَالِفُهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ، وَكَنَّ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدُ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَوْ كَانَ عِدَدَ اللَّهِ عِبَادَةً تَعْبُدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلَ مِنَ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ لِأَنَّ لَفْظَهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا، فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلَ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَ خَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ: ( وَ قَلِيلٌ

ص: 27

---

1- بحار الأنوار 42:71 ح39

2- کافی 95:2

امام صادق علیه السلام می فرمایند: در هر نفسی از نفس‌های شکر بر تو لازم است. نه یک شکر بلکه هزار و بیشتر از هزار شکر، و پایین ترین مرتبه شکر اینست که نعمت را از جانب خدای تعالی بدانی و به هیچ سبب دیگری - به طور مستقل - در رسیدن این نعمت دلبستگی نداشته باشی و آنچه خدا به تو عطا فرموده خشود باشی و به وسیله نعمت های پروردگار به معصیت و نافرمانی او آلوده نشوی و در اوامر و نواهی خدای متعال با ابزار نعمت با او مخالفت ننمایی و برای پروردگار در همه حالات بنده سپاسگزار و شاکر باشی در نتیجه او را در همه حالات نسبت به خود پروردگاری مهربان و کریم خواهی یافت و اگر در بین عبادتهایی که مخلصین به درگاه خدای متعال انجام می دهند عبادتی با فضیلت تر و بالاتر از «شکر و سپاسگزاری در همه حالات» بود خداوند متعال از بین همه آنها با بکار گرفتن لفظ و نام آن عبادت ایشان را معرفی می کرد پس چون عبادتی با فضیلت تر از شکر نیست، خداوند آن را در بین سایر عبادات مخصوص گردانیده است و همچنین کسانی را که به صفت شکر متصف گردیده اند. و در قرآن کریم می فرماید: «انذکی از بندگان من شاکر و سپاسگزار می باشند».

از آشکارترین چهره های شکر اینست که نعمتی را که خدای

ص: 28

متعال به انسان عطا می فرماید در مسیری استفاده کند که منعم خوشنود است.

به عنوان مثال اگر خداوند متعال به انسان نعمت بینایی و چشم بخشید، بر انسان واجب است که شکر این نعمت را با فرو بستن آن از آنچه که خداوند متعال نهی کرده است به جای آورد و از آن فقط در راهی که پروردگار راضی است استفاده نماید.

در نتیجه آن کسی که چشم خود را از دیدن آنچه موجب فساد اخلاق و ضعف ایمان او می گردد - همانند تصاویر ناشایست رایانه ها و ماهواره ها، و یا نگاه کردن به اجانب و نامحرمان - می بندد در حقیقت شکر نعمت چشم و بینایی را به جای می آورد.

یا به عنوان مثال شکر نعمت شنوایی و گوش به اینست که از شنیدن آنچه نباید بشنود همانند غیبت، موسیقی، استراق سمع، صدای نامحرم (در صورت احتمال مفسده) و... خودداری کند.

یا مثلاً خدای متعال به انسان دو پای قدرتمند عطا فرموده تا به راحتی رفت و آمد و تحرک داشته باشد شکر این نعمت در آنست که از این وسیله برای شرکت و رفت و آمد در مجالس گناه از قبیل عروسبهایی که مسایل شرعی در آن رعایت نمی شود بهره مند نگردد و همچنین است سایر نعمتهائی که خدای کریم به ما عطا فرموده است.

ص: 29



بخش دوم: ارزش‌گزاری نعمت از دیدگاه خداوند

اشاره

ص: 31



نعمتها و عطایای پروردگار متعال در مقایسه با یکدیگر از جهت ارزش و اهمیت یکسان نیستند. این مطلب، حقیقتی واضح و آشکار است چرا که با بررسی و جستجو در میان نعمتهای بی شمار الهی به وضوح این مسأله را درک می کنیم.

به عنوان مثال در مقایسه بین انگشتان دست واضح است که انگشت اشاره و انگشت شست از سایر انگشتان کاربردی تر و از اهمیت بیشتری برخوردار است. و باز هر یک از این انگشتان را با نعمت بینایی یا شنوایی که مقایسه می کنیم خواهیم دید که بینایی و شنوایی نعمتهایی بس بزرگتر و مهمتر از یک انگشت می باشند.

این گونه تفاوتها در میزان ارزش و اهمیت سایر نعمتهای نامحدود الهی نیز به چشم می خورد.

اینجاست که این سؤال به ذهن می رسد که کدامیک از نعمتهای بی شمار الهی نسبت به سایر نعمت از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

در میان همه پاسخها، پاسخ صحیح را تنها از خالق و معطی نعمتها باید گرفت زیرا او به حقیقت نعمتهایی که به ما عطا فرموده

## سؤال از نعمت نشانه اهمیت آن نعمت است:

### اشاره

با بررسی آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین این حقیقت را می یابیم که بعضی از نعمتهای پروردگار متعال از اهمیت خاصی برخوردار است و وعده فرموده که از این نعمتها حتما سؤال خواهد کرد. این تأکید در سؤال کردن خود نشانه اهمیت و کلیدی بودن این گونه نعمتها در زندگی انسان می باشد.

به این روایات توجه کنید:

### روایت اول:

عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدِمَ إِلَيْنَا طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا مِثْلَهُ قَطُّ، فَقَالَ لِي: يَا سَدِيرُ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا هَذَا؟ قُلْتُ: بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَكَلْتُ مِثْلَهُ قَطُّ وَلَا أَظُنُّ أَنِّي آكُلُ أَبَدًا مِثْلَهُ، ثُمَّ إِنَّ عَيْنِي تَعَزَّغَتْ فَبَكَيْتُ، فَقَالَ يَا سَدِيرُ مَا يُبْكِيكَ؟ قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ذَكَرْتُ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ. قَالَ: وَمَا هِيَ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: (ثُمَّ لَتَسَّ ثُلُثًا يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) فَخِيفْتُ أَنْ يَكُونَ هَذَا الطَّعَامُ الَّذِي يَسْأَلُنَا اللَّهُ عَنْهُ فَضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا سَدِيرُ لَا تَسْأَلْ عَنِ طَعَامِ طَيْبٍ، وَلَا ثَوْبِ لَيْنٍ، وَلَا رَائِحَةِ طَيْبَةٍ، بَلْ لَنَا خَلْقٌ وَلَهُ خَلْقُنَا، وَلِنَعْمَلُ فِيهِ بِالطَّاعَةِ، وَقُلْتُ لَهُ: بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا النَّعِيمُ؟



قال لي: حب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و عترته عليهم السلام يسألهم الله يوم القيامة كيف كان شكركم لي حين أنعمت عليهم بحب علي و عترته (1).

حنان بن سدير از پدرش نقل می کند که گفت: من نزد جعفر بن محمد علیهما السلام بودم. غذایی برای ما آورد که هرگز مانند آن غذا نخورده بودم. پس امام صادق علیه السلام به من فرمودند: ای سدير غذای ما را چگونه دیدی؟

گفتم: پدر و مادرم فدای شما ای پسر رسول خدا تا به حال مانند این غذا را نخورده بودم و گمان ندارم که هرگز بتوانم چنین غذایی بخورم.

سپس اشک از دیدگانم جاری شد. حضرت فرمودند: ای سدير چه چیز تو را گریاند؟

عرض کردم: ای پسر رسول خدا آیه ای از قرآن مجید را به یاد آوردم.

فرمودند: چه آیه ای؟

عرض کردم: فرمایش خداوند متعال که فرمود:

«تُمْ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»

ترسیدم که این غذایی که الآن خوردم همان نعمتی باشد که خداوند متعال در قرآن فرموده است.

ص: 35

سدیر می گوید: امام علیه السلام با شنیدن سخن من به گونه ای خندیدند که دندانهای آسیای ایشان پدیدار گشت سپس فرمودند: ای سدیر خدای متعال از طعام حلال و پاک و از لباس نرم و بوی خوش سؤال نمی کند بلکه خدا این ها را برای ما خلق کرده و ما نیز خلق شده ایم تا از آنها بهره مند شده و استفاده کنیم و آنها را در مسیر اطاعت و پیروی از دستورات خدا بکار گیریم.

سدیر گوید: عرض کردم؛ پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا پس آن «نعیم» که خدا در آیه فرموده است چیست؟

حضرت فرمودند: آن نعمت محبت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و خاندان و عترت ایشان سلام الله علیهم اجمعین است. و خداوند در روز قیامت از همه انسانها سؤال می کند که در برابر این نعمت «محبت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینشان» چگونه شکر گزار و سپاسگزار خدای متعال بودند.

### روایت دوم:

عن النبي صلى الله عليه وآله قال: لا تزول قدم عبدٍ يومَ القيامةِ حتَّى يُسألَ عن أربعٍ: عن عمره فيما أفناه، عن شبابه فيما أبلاه، وعن ماله من أين اكتسبه وفيما أنفقَه، وعن حُبنا أهلَ البيتِ (1).

وجود مقدس نبی مکرم اسلام علیه و آله افضل الصلاة والسلام

ص: 36

می فرمایند: بنده در روز قیامت قدم از قدم بر نمی دارد الا اینکه از چهار چیز از او سؤال می شود:

اول: از مدت عمرش که آن را در چه راهی صرف کرده است.

دوم: از دوران طلایی جوانی اش که در چه مسیری آن را بکار گرفته

است.

سوم، از اموالش که از چه راهی آنها را کسب کرده و در چه راهی مصرف نموده است.

چهارم: از محبت ما اهل بیت عصمت و طهارت.

توضیح روایت دوم:

این حدیث اشاره به چهار نعمت الهی دارد که بیانگر سنگین بودن وظیفه ما در برابر این نعمتها و شکر آنها از جهت بکارگیری صحیح آنها می باشد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: بنده در روز قیامت قدم از قدم بر نمی دارد مگر اینکه از چهار نعمت از او سؤال می شود:

نعمت اول: نعمت عمر می باشد. خداوند متعال به انسان فرصتی طلایی برای توشه اندوزی جهت آخرت خود عطا می فرماید و در طول این مدت همه جمادات و جنبندگان را مسخر او می گرداند، تا او بتواند با اختیار، مسیر صحیح را انتخاب کرده و در آن مسیر حرکت کند.

ص: 37

حال اگر بنده ای عمرش را در مسیر غیر صحیح حرکت کند و با انجام معصیت موجبات غضب خداوند را فراهم کند یا عمرش را به بطالت بگذراند و با سرگرمی های غفلت اور دنیایی، خود را مشغول کرده، عمرش را به هدر بدهد در برابر سؤال از نعمت عمر چه جوابی خواهد داشت؟

نعمت دوم: نعمت جوانی است. اگر کمی با دقت بنگریم می یابیم که هر کسی در دوران عمرش، از یک مقطع زمانی برخوردار است که از لحاظ رشد و پیشرفت و حرکت و تلاش و کسب کمالات معنوی و دنیوی پربازده ترین ایام عمر اوست.

این دوران همان دوران جوانی است. دورانی که انسان با خستگی ناپذیری خاصی که دارد و با استفاده از نیروی سرشار جوانی می تواند به سرعت مسیر کار و تلاش و کمال و سعادت را بیپیماید بدون اینکه سستی ها، خمودگی ها، دردها و ضعف پیری مانعی بر سر راه او باشد. فلذا تجربه و تحقیق نشان دهنده این امر است که اکثر دانشمندان بزرگ عمده موفقیت های خود را بر اثر کارها و تلاشهایی که در زمان جوانی انجام داده اند بدست آورده اند و اندوخته های جوانی خود را عامل اصلی موفقیت های دورانی که پا به سن می گذارند، می دانند.

مانند کاسبی که هر چقدر سرمایه اش افزون تر باشد می تواند دست به معاملات بزرگتری بزند و در نتیجه سود بیشتری عایدش

از طرفی چون بهترین زمان برای کسب اندوخته و جمع آوری سرمایه برای یک دانشمند و یا برای هر صاحب حرفه دیگری دوران جوانی می باشد بنابراین کسی در طول عمرش موفق تر است که بتواند در دوران جوانی سرمایه بیشتر کند تا زمینه معاملات بزرگتر برای او فراهم شود.

اکنون در نظر بگیرید که عمر انسان چقدر ارزشمند است و باز مهمترین و پربازده ترین دوران عمر انسان دوران جوانی است بدین سبب در روز قیامت هر کسی از این که این مدت از عمر را در چه راهی مصرف کرده است مورد سؤال قرار می گیرد.

نعمت سوم: نعمت سومی که بر طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از بنده در روز قیامت سؤال می شود اینست که اموالش را از چه راهی بدست آورده و در چه راهی مصرف کرده است.

آیا کسب و در آمدش از راههای غیر مشروع بوده یا نه؟

آیا با دروغ یا قسم دروغ در آمد کسب کرده است؟

آیا با تقلب و کم فروشی مال و اموالی بهم زده است؟

آیا با غش در معامله مال اندوزی کرده است؟

آیا معاملاتش آلوده به ربا و نزول و رشوه گردیده یا نه؟

آیا با خوردن حق دیگری مال اندوخته است؟

و اگر از جواب همه این سؤالات به سلامت بگذرد و مالش را

از راههای مشروع بدست آورده باشد تازه باید بگوید که اموالش را در چه راهی مصرف کرده است:

فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ.

نعمت چهارم: اما آخرین موردی که بر طبق فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از انسان سؤال می شود نعمت ولایت و محبت اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین است که نشانگر اهمیت این نعمت می باشد.

### روایت سوم:

عن عبد الله بن نجیح الیمانی قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما معنى قوله تعالى: (ثُمَّ لَئِنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ)؟ قَالَ: النَّعِيمُ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ مِنْ وَلَايَتِنَا، وَحُبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (1).

عبدالله بن نجیح یمانی می گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم؛ معنای فرمایش خداوند متعال در قرآن که می فرماید: «سپس هر آینه از (نعم) سؤال خواهید شد» چیست؟ و مقصود از نعم کدام نعمت است؟

حضرت فرمودند: آن نعمت - که خداوند متعال بدون تردید از آن سؤال می کنند - ولایت ما اهل بیت و محبت پیغمبر اکرم صلی الله علیه

ص: 40

اولاد پاک و طاهرینش می باشد.

باید توجه داشت کلمه «لَتُسْأَلُنَّ» در زبان عربی از سه تأکید برخوردار است.

اول: «لام تأکید» می باشد که بر سر فعل آمده است.

دوم: نون تأکید تقیله که دارای دو تأکید است و خود نشانگر اصرار بر تأکید می باشد.

پس معنای آیه این است که: بدون تردید، حتما و قطعا از «نعیم» از شما سؤال می کنند.

### روایت چهارم:

رَوَى الْعِيَّاشِيُّ بِإِسْنَادِهِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ : سَأَلَ أَبُو حَنِيفَةَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ (1)، فَقَالَ لَهُ : مَا النَّعِيمُ عِنْدَكَ يَا نُعْمَانَ (2)؟ قَالَ : الْقُوَّةُ مِنَ الطَّعَامِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ. فَقَالَ : لَئِنْ أَوْفَقَكَ اللَّهُ بَيْنَ يَدَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَكَ عَنْ كُلِّ أَكْلَةٍ أَكَلْتَهَا أَوْ شَرِبَةٍ شَرِبْتَهَا لَيَطُولَنَّ وَقُوفُكَ بَيْنَ يَدَيْهِ. قَالَ : فَمَا النَّعِيمُ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ : نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ النَّعِيمُ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِنَا عَلَى الْعِبَادِ، وَبِنَا اثْتَلَفُوا بَعْدَ مَا كَانُوا مُخْتَلِفِينَ وَبِنَا أَلْفِ اللَّهِ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ فَجَعَلَهُمْ إِخْوَانًا بَعْدَ أَنْ كَانُوا أَعْدَاءً، وَبِنَا هَدَاهُمْ اللَّهُ لِلْإِسْلَامِ، وَهُوَ النَّعْمَةُ الَّتِي لَا

ص: 41

1- آیه: (ثم لتسألن يومئذ عن النعيم)

2- نعمان نام ابو حنیفه می باشد

تَنْقَطِعُ، وَاللَّهُ سَائِلُهُمْ عَنْ حَقِّ النَّعِيمِ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْهِمْ وَهُوَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعِتْرَتُهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (1).

عیاشی نقل می کند: ابوحنیفه از امام صادق علیه السلام درباره آیه «ثم لتسألن يومئذ عن النعيم» پرسید.

حضرت به او فرمودند: مقصود خداوند از «نعیم» در نزد تو چیست؟

ابوحنیفه گفت: خوردنی ها و آشامیدنیها می باشد.

حضرت فرمودند: اگر اینطور که تو می گویی باشد و خداوند بخواهد تو را در روز قیامت در صحرای محشر ننگه دارد تا از یک خوردنی ها و آشامیدنی هایی که خوردی و آشامیدی از تو سؤال کند هر آینه حساب تو بی نهایت به طول خواهد انجامید؟!

ابوحنیفه گفت: پس مراد از «نعیم» چیست؟

حضرت فرمودند: ما اهل بیت آن نعمتی هستیم که خداوند متعال به بندگان عطا فرمود. بوسیله ماست که انس و الفت در میان انسانها برقرار میشود بعد از آنکه با یکدیگر اختلافاتی داشتند، بوسیله ما اهل بیت است که خداوند متعال انسانها را به سوی اسلام هدایت نمود. و این نعمت، نعمتی است که قطع نمی شود و پایان نمی یابد و پروردگار متعال، خود از این نعمتی که به ما انسانها عطا فرموده است در روز قیامت از آنها سؤال می کند و آن نعمت، نعمت وجود پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و

ص: 42



خاندان پاک و معصوم او می باشند.

با مشاهده بخش عمده این روایات روشن می گردد یکی از مهمترین مواهب و نعمتهایی که خدای متعال به بندگان عطا فرموده است نعمت وجود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین و نعمت ولایت این ذوات مقدسه می باشد. بلکه از دلیل عقل و نقل استفاده می شود که این نعمت بزرگترین و مهمترین نعمتی است که از ناحیه پروردگار کریم به انسانها داده شده است.

\* ولایت ائمه معصومین علیهم السلام اعظم النعم (1) است:

### ولایت ائمه معصومین علیهم السلام اعظم النعم

#### دلیلی از روایات:

عَنْ ابْنِ وَاقِدٍ عَنْ أَبِي يُوسُفَ الْبُرَّازِ قَالَ: تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْآيَةَ (فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ) قَالَ: أَتَدْرِي مَا آلَاءُ اللَّهِ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: هِيَ أَعْظَمُ نِعْمٍ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَهِيَ وَلَا يَتَنَا (2).

ابن واقد می گوید: امام صادق علیه السلام آیه «فاذکروا الا، الله» را تلاوت کردند و سپس فرمودند: آیا میدانی «آلا، الله» چیست؟

عرض کردم: نه نمی دانم.

ص: 43

---

1- اعظم النعم: برترین نعمت ها

2- بحار الأنوار 59:24

حضرت فرمودند: «آلا، الله» بزرگترین نعمت خدا بر خلق یعنی ولایت ما اهل بیت می باشد(1).

همانطور که مشاهده می کنید امام صادق علیه السلام نعمت ولایت ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین را بزرگترین نعمت خدای متعال معرفی می کند.

### دلیل عقلی:

سعادت هر انسانی به اینست که در این دنیا به گونه ای زندگی کند که در قیامت بسوی بهشت روانه گردد. و در آنجا به صورت ابدی متنعم باشد. هدف از خلقت انسان توسط خدای متعال نیز آنست که انسان را مورد رحمت خویش قرار دهد. ولی برخورداری از رحمت منوط به عملکرد او بر اساس اختیار است.

از آنجایی که انسان نمی تواند مسیر صحیح را در همه زمینه ها با عقل خود بشناسد، خداوند متعال به مقتضای رحمت خود پیامبرانی را برانگیخت تا راه و روش صحیح را به مردم بیاموزند. بعضی شریعت و آئین آورده و بعضی دیگر تبیین و تفسیر می کردند و بسیار واضح است که اعتماد به گفته آنها متوقف بر اینست که ایشان معصوم باشند و مرتکب هیچگونه خطا و اشتباهی نگردند.

بنابراین کسانی که ما بوسیله آنها از دستورات الهی با خبر گشته

ص: 44

---

1- در این باب روایات دیگری نیز وجود دارد که از ذکر آنها خودداری می کنیم

و به توسط آنها با دین و شریعت و راه و روش مورد رضای الهی آشنا می شویم، در حقیقت ایشان وسیله آشنائی با وظائف عبودیت و در نتیجه متنعم شدن به بهشت جاویدان الهی در جهان آخرت می باشند. از این رو پیامبران الهی و جانشینان ایشان بزرگترین نعمت الهی برای ما می باشند چون در صورت عدم بهره مندی از نعمت وجود ایشان دستیابی به بهشت ممکن نبود در حالی که ما این تحلیل را در ارتباط با هیچ یک از نعمتهای دیگر خداوند متعال نمی توانیم داشته باشیم.

به عنوان مثال اگر کسی از نعمت شنوایی، بینایی، گویایی، راه رفتن، زیبایی، فرزند، زیرکی، مال و اموال فراوان، ماشین و ... محروم باشد، هرگز فقدان این نعمتها نمی تواند عامل محرومیت او از بهشت و موجب رهسپاری او به جهنم باشد.

با این تحلیل عقلی ساده - به علاوه بر روایات فراوان - می یابیم که بزرگترین نعمتی که خدای متعال به ما انسانها عنایت فرموده است نعمت ولایت ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می باشد.

حال که مطلب به اینجا رسید و دریافتیم که بزرگترین موهبت و نعمت الهی به ما چیست این سؤال مطرح می شود:

### **آیا با ارزش ترین نعمت سزاوار برترین شکر نیست؟**

آری، بدون تردید باید بزرگترین نعمت را با برترین شکر همراه نمود بدین ترتیب که با حداکثر نیرو و توان و امکانات خود در

مسیر شکر‌گزاری این بزرگترین نعمت الهی گام برداشت.

و اکنون سؤال دیگری در ذهن نقش می‌بندد که چگونه باید شکر بزرگترین نعمت، یعنی نعمت وجود امامان معصوم سلام الله علیهم اجمعین و نعمت ولایت ایشان را بجای آورد؟

## **در عصر کنونی چگونه می‌توان به درگاه خدای متعال به خاطر نعمت و موهبت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شکر و سپاسگزاری نمود؟**

در ابتدای بحث چهره‌های سپاسگزاری از ذات اقدس حق جل و علا بررسی شد و گفتیم که یکی از آنها شناخت و معرفت نعمت می‌باشد:

مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ شَكَرَهَا

هر کس که خدای کریم به او نعمتی عطا کند آنگاه وی به آن نعمت

معرفت داشته باشد پس شکر آن نعمت را بجای آورده است.

با توجه به این حدیث شریف می‌توان گفت: یکی از راههای شکر‌گزاری در برابر نعمت وجود ائمه معصومین خصوصاً امام زمان سلام الله علیهم اجمعین کسب معرفت نسبت به ایشان می‌باشد، و این امر یعنی کسب معرفت و حصول شناخت را می‌توان از دو نقطه دنبال نمود:

۱- شناخت اینکه امامان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

چه کسانی هستند و اکنون چه کسی حجت خدا بر روی زمین است.

2- شناخت صفات و کمالات و فضایل آنان و حقوق ایشان بر انسانها.

در ارتباط با اهمیت مسأله اول یعنی وجوب شناخت ائمه معصومین علیهم السلام و اینکه هر کسی در هر عصر و زمانی که زندگی می کند باید امام همان عصر، و همچنین امامان پیش از ایشان را بشناسد، روایات فراوانی وارد شده است:

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

- در حدیث دیگر از محمد بن مسلم روایت شده که می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، فَسَعِيهِ غَيْرُ مَقْبُولٍ، وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَ اللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ شَاهٍ ضَلَّتْ عَنْ رَاعِيهَا وَ قَطِيعِهَا، فَهَجَمَتْ ذَاهِبَةً وَ جَائِيَةً يَوْمَهَا، فَلَهَا جَنَّةٌ اللَّيْلُ بَصُرَتْ بِقَطِيعٍ مَعَ غَيْرِ رَاعِيهَا، فَحَنَّتْ إِلَيْهَا وَ اغْتَرَّتْ بِهَا، فَبَاتَتْ مَعَهَا فِي رُبُضَتَيْهَا فَلَمَّا أَنْ سَاقَ الرَّاعِي قَطِيعَهُ أَنْكَرَتْ رَاعِيهَا وَ قَطِيعَهَا، فَهَجَمَتْ مُتَحَيِّرَةً تَطْلُبُ رَاعِيهَا وَ قَطِيعَهَا، فَبَصُرَتْ بِغَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا، فَحَنَّتْ إِلَيْهَا وَ اغْتَرَّتْ بِهَا، فَصَاحَ بِهَا الرَّاعِي الْحَقِي بِرَاعِيكِ وَ قَطِيعِكِ، فَإِنَّكِ تَأْتِيهِ مُتَحَيِّرَةٌ عَنْ رَاعِيكِ وَ قَطِيعِكِ،

ص: 47

فَهَجَمَتْ دَعْرَةَ مُتَحَيِّرَةً نَادَةً لَا رَاعِيَ لَهَا يُرْشِدُهَا إِلَى مَرْعَاهَا أَوْ يَرُدُّهَا، فَبَيْنَمَا هِيَ كَذَلِكَ إِذَا اغْتَنَمَ الذَّنْبُ صَدَّ يِعْتَهَا فَأَكَلَهَا، وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَصَبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ ظَاهِرًا عَادِلًا أَصْبَحَ ضَالًّا تَائِبًا وَإِنْ مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَاتَ مَيْتَةً كُفْرٍ وَنِفَاقٍ، وَاعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَيْمَةَ الْجَوْرِ وَاتَّبَاعَهُمْ لَمَعَزُولُونَ عَنِ دِينِ اللَّهِ، قَدْ ضَلُّوا وَأَضَلُّوا، فَأَعْمَالُهُمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (1).

هر کس خدا را با انجام اعمال عبادی فرمان ببرد و خود را در آن به رنج بیاندازد در حالی که معتقد به امام و راهنمای تعیین شده از طرف خدا نباشد، تلاش او پذیرفته نیست و او گمراه و سرگردان است و خداوند کردار او را دشمن می دارد.

او به مانند گوسفندی است که از چوپان و گله خود گم شده و شب و روز سرگردان در حرکت است و می رود و می آید و آنگاه که شب فرارسد گله نا آشنایی می بیند و به آن دل می نهد و فریب آن را می خورد و با آن گله در محل استراحتش شب را می گذراند و هنگامی که چوپان گله خود را حرکت می دهد، آن چوپان و گله رانمی شناسد و سرگردان می گریزد و چوپان و گله خود را می طلبد و گله ای را با چوپانش می بیند و بدان دل می نهد و فریفته و مجذوب او می گردد. اما چوپان به او بانگ

ص: 48

می زند که به چوپان و گله خودت پیوند. پس هر آینه تو سرگردان و گم گشته هستی و از چوپان و گلها دور شده ای.

آن گوسفند هراسان، سرگردان، گریزان و تنها می جهد و چوپانی ندارد که او را به چراگاه خودش رهبری کند و یا برگرداند. در همین اثناء که حیران است ناگهان گرگ از گم شدنش استفاده کرده و او را می خورد.

به خدای قسم ای محمد بن مسلم! این چنین است حال کسی که در این امت به دامان امامی که معصوم و منصوب از طرف خدا بوده باشد دست نزند هر آینه او گم شده و سرگردان بسر می برد و اگر بر این حال بمیرد در حالت کفر و نفاق مرده است.

ای محمد بدان که رهبران و پیشوایان جور و انحراف و پیروانشان، از دینخدا برکنارند. به راستی که گمراه و گمراه کننده می باشند و همه اعمال به ظاهر نیکوی آنان مانند خاکستری است در برابر گرد باد روز طوفانی. به هیچ وجه بر آنچه تلاش کرده اند دسترسی ندارند اینست همان گمراهی دور و خطرناک.

با دقت در این روایات لزوم کسب معرفت نسبت به ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین و لزوم شناخت امام معصوم منصوب از جانب خدای متعال در هر عصر و زمانی به روشنی آشکار می گردد.

## نقش دعا در زمینه معرفت:

یکی از وظائف ما در زمینه شناخت امام علیه السلام و بقاء ایمان به او، دعا می باشد که در روایات ما به آن سفارش شده است.

به این روایت توجه کنید:

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از زراره چنین روایت می کند:

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِقَائِي غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ، قُلْتُ لَهُ: وَلَمْ؟ قَالَ: يَخَافُ - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ -  
ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ، وَهُوَ الْمُنتَظَرُ، وَهُوَ الَّذِي يُشَكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ، مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: هُوَ حَمَلٌ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: هُوَ غَائِبٌ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ:  
مَا وَلَدٌ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: قَدْ وُلِدَ قَبْلَ وَفَاةِ أَبِيهِ بِسَنَتَيْنِ. غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَجِبُ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ.

قال زُرَّارَةُ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ؛ فَإِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَأَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ؟

قال: يَا زُرَّارَةُ إِنَّ أَدْرَكْتَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَأَدِّمْ هَذَا الدَّعَاءَ:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَبَّتِكَ اللَّهُمَّ  
عَرَّفَنِي حَبَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

ص: 50



شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: برای حضرت قائم پیش از آنکه قیام کند غیبتی خواهد بود. گفتم: چرا؟ فرمود: می ترسد . و به شکمش اشاره کرد . سپس فرمود:

ای زراره! او پیشوائی است که همگان به انتظار وی بسر می برند و او کسی است که مردم در ولادتش شک می کنند. بعضی از مردم خواهند گفت او در شکم مادر است و برخی می گویند او غایب است و بعضی می گویند متولد نشده است و بعضی می گویند دو سال پیش از فوت پدرش متولد شده است.

جز این نیست که خدای تبارک و تعالی می خواهد شیعیان را بیازماید پس در آن هنگام است که باطل گرایان به تردید می افتند.

زراره گوید: عرضه داشتم: فدایت کردم اگر آن زمان را درک نمودم

ص: 51

---

1- کمال الدین: 343. ترجمه دعا: بار خدایا خودت را به من بشناسان زیرا اگر خودت را به من شناسانی پیغمبر تو را نخواهم شناخت. بار خدایا پیامبر و فرستاده ات را به من بشناسان زیرا اگر رسولت را به من شناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. بار خدایا حجت خود را به من بشناسان زیرا اگر حجت خود را به من شناسانی، از دین خود گمراه می شوم



عَلَيْ مُحَمَّدٍ ابْنِهِ، وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنِهِ، وَبَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ، وَالْحَجَّه مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ.

ثم قال: يا معاوية، جعلت لك في هذا أصلاً فاعمل عليه... (1).

معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: به راستی که برترین و واجب ترین فریضه ها بر انسان شناخت پروردگار و اقرار به بندگی اوست و مرز شناخت آنست که بداند هیچ معبود حقی جز او نیست و هیچ گونه مثل و مانندی ندارد و بداند که او قدیم و پایدار است. موجودی است که فاقد هیچ کمالی نمی باشد، موصوفی است بی آنکه شبیه و نظیر داشته باشد و چیزی او را نابود و باطل نمی سازد. هیچ چیز مثل او نیست و او است شنوای بینا.

پس از آن شناخت فرستاده خدا است و گواهی دادن به پیغمبری او و کمترین درجه شناخت رسول، اقرار به پیغمبری او است و اینکه آنچه از کتاب یا اوامر و نواهی آمده است از جانب خدای متعال است.

بعد از آن شناخت امام و پیشوائی است که به او اقتدا می کند. شناخت با نعت و وصف و نامش در آسانی و سختی. و کمترین درجه شناخت امام آنست که [بداند] او - بجز در نبوت - همتای پیغمبر است و امام وارث پیغمبر است و اطاعت امام اطاعت خداوند و اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله است و شناخت امام به تسلیم بودن در برابر او در همه امور و

(1) تفسیر برهان 2:582 ح 3.

ص: 53

---

1- تفسیر برهان 2:582 ح 3

مراجعه کامل به او و پذیرش گفتار او می باشد.

و بداند که امام بعد از رسول خدا علی بن ابی طالب و بعد از او حسن، سپس حسین، سپس علی بن الحسین، سپس محمد بن علی، سپس جعفر بن محمد سپس موسی بن جعفر سپس علی بن موسی سپس محمد بن علی سپس علی بن محمد و بعد از علی پسرش حسن و حجت از فرزندان حسن است. پس امام صادق فرمود: ای معاویه در این امور برای تو اصل و قاعده ای قرار دادم پس بر آن عمل کن..

در این باره روایات بسیار زیادی وجود دارد که علاقه مندان به

کتاب بحارالانوار جلد 29 مراجعه نمایند.

وظایف دیگر در زمینه شکرگزاری نعمت وجود ولی عصر حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه الشریف

با توجه به اینکه اکنون ما در پرتو ولایت امام زمان علیه السلام به سر می بریم طبعا علاوه بر کسب معرفت و شناخت حضرتش قطعه وظایفی دیگر نیز در زمینه شکرگزاری از این نعمت عظمای الهی بر عهده ما می باشد.

قبل از ورود به بحث در اینکه چه وظایفی در جهت شکرگزاری از خداوند متعال به خاطر این نعمت عظمی داریم، توجه خواننده محترم را به یک مسأله مهم جلب می کنیم:

ص: 54

خداوند نظام خلقت و آفرینش و تکوین را بر این اساس قرار داده است که تمام نعمتهای او در هر عصر و زمانی از طریق امام معصوم که حجت خدا در روی زمین است به بندگانش برسد یعنی امام واسطه فیض و واسطه رحمت و نعمت است کوچکترین نعمت نیز بدون اذن امام علیه السلام به کسی نخواهد رسید. در زیارت جامعه می خوانیم: «السلام علیکم یا أهل بیت النبوة... وأولیاء النعم» سلام بر شما که ولی نعمتها می باشید.

یعنی هر نعمتی با اذن شما به مخلوقات عطا می گردد و از آنجایی که ولی یعنی کسی که اولی و آحق در تصرف و تدبیر امور است پس باید ولایت بر نعمت یعنی تدبیر و تصرف در نعمت در ارتباط با هریک از موجودات به اذن امام باشد و کارگزاران و ملائکه الهی که مأمور تقسیم ارزاق هستند همه مأمور به اطاعت اوامر امام زمان علیه السلام می باشند و به فرمان ایشان کار می کنند. امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

يَا أَبَا حَمْزَةَ، لَا تَنَامَنَّ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنِّي أَكْرَهُهَا لَكَ إِنَّ اللَّهَ يَقْسِمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَعَلَى أَيْدِينَا يُجْرِيهَا(1).

ای ابوحمزه قبل از طلوع خورشید (بین الطلوعین) نخواب. چرا که من

ص: 55

خواب این زمان را برای تو نمی پسندم همانا خداوند متعال رزق و روزی بندگان خود را در این زمان تقسیم می کند و این مهم را بوسیله ما امامان معصوم انجام می دهد.

و دلیل دیگر برای این مدعا فرازهای دیگری از زیارت جامعه کبیره است:

بکم ينزل الغيث و بکم يمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه و بکم ينفس الهم ويكشف الضر.

خداوند متعال به وسیله شما از آسمان باران را فرود می آورد، و به وسیله شما آسمان و زمین را در مدار خود به حرکت در می آورد جز اینکه او نخواهد و بوسیله شماست که غمها برطرف می شود و سختیها و مشکلات بدست شما آسان می گردد.

با دقت در این روایات و ادعیه روشن می گردد که واسطه رسیدن نعمتها به همه انسانها بلکه واسطه رسیدن هر فیض مادی و معنوی و روحانی و توفیقات الهی و... ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین هستند. زیرا الف و لام در کلمه «النعمة» در زبان عربی دلالت بر عموم می کند پس «النعمة» یعنی «همه نعمتها».

و آیا جز اینست که همه توفیقاتی که در زمینه مسائل معنوی شامل حال انسان می گردد از قبیل توفیق و قدرت انجام نماز و روزه، حج، انفاق، نیکی به پدر و مادر، و... همه و همه جزء نعمتهای الهی بر ما می باشد و از آنجایی که خداوند متعال اراده

فرموده که همه نعمتها از مسیر حجت خود در زمین شامل حال ما گردد در نتیجه ما در انجام هر کار پسندیده و نیکو محتاج به عنایت امام زمان عجل الله فرجه می باشیم.

بنابراین اگر لحظه ای زمین خالی از وجود امام زمان علیه السلام باشد یا اگر آن حضرت به اندازه کمتر از چشم بهم زدن عنایت خود را از اهل آسمان و زمین بردارند همه نابود میشوند و نظام جهان هستی متلاشی می شود.

به این روایت توجه کنید:

عن إبراهيم بن أبي محمود قال : قال الرضا عليه السلام: نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَخُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ ، وَأَمْنَاؤُهُ عَلَي سِرِّهِ، وَنَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَاعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ، بِنَا يَمْسِكُ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، وَبِنَا يُنْزَلُ الْغَيْثَ وَيَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَلَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ، وَلَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتِ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ(1).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت پیغمبر حجت‌های پروردگار در روی زمین و جانشینان خدای متعال در بین بندگانش و امانت داران اسرار وی می باشیم و ما حقیقت تقوا و ریسمان محکم الهی هستیم. ما شاهدان پروردگار و علم‌های وی در بین مخلوقات می باشیم.

ص: 57

بوسیله ما پروردگار آسمانها و زمین را ثابت نگه می دارد. و بوسیله ما باران را از آسمان فرو می ریزد و رحمت خودش را در بین بندگان منتشر می کند. هیچگاه زمین از وجود ما بصورت ظاهر یا پنهان خالی نیست و چنانچه روزی زمین خالی از حجت باشد همانگونه که آب دریا بالا آمده و اهلش را فرو می گیرد زمین نیز دهان باز کرده و اهلش را فرو می برد.

اکنون با توجه به مطالب و روایات عنوان شده در ارتباط با اینکه واسطه رسیدن همه نعمتها به مخلوقات امام زمان علیه السلام می باشند می توان به دلیل دیگری برای اعظم النعم بودن ولایت امام اشاره کرد و آن اینکه پر واضح است وقتی قرار شد امام زمان علیه السلام «ولی النعم» و «واسطه النعم» باشند و هر نعمتی از طریق ایشان به ما افاضه شود پس همه نعمتها متفرع بر وجود خود امام است و لذا امام زمان «اعظم النعم» و بزرگترین نعمت خدای تعالی به جهانیان است زیرا تا ایشان وجود نداشته باشند بقیه مخلوقات از نعمتهای خدای متعال بهره ای نخواهند داشت، بلکه اصلاً هم موجودات هستی به طفیل وجود پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین خلق شده اند:

عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه واله أنه قال: لَهَا خَلَقَ اللهُ تَعَالَى آدَمَ ابَا الْبَشَرِ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ التَّمَّتْ آدَمُ يَمَنَةَ الْعَرْشِ فَإِذَا فِي التُّورِ خَمْسَةُ أَشْبَاحٍ سُجَّدًا وَرُكْعًا قَالَ آدَمُ: هَلْ خَلَقْتَ أَحَدًا مِنْ طِينِ قَبْلِي؟ قَالَ: لَا يَا آدَمُ. قَالَ:



فَمَنْ هُوَ الْخَمْسَةُ الْأَشْبَاحُ الَّذِينَ أَرَاهُمْ فِي هَيْئَتِي وَصُورَتِي؟ قَالَ هُوَ لَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وُلْدِكَ لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ، هُوَ لَاءِ خَمْسَةٌ شَقِيقَاتٌ لَهُمْ خَمْسَةٌ اسْمَاءٌ مِنْ اسْمَائِي لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ، وَلَا الْعَرْشَ وَلَا الْكُرْسِيَّ، وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ، وَلَا الْمَلَائِكَةَ وَلَا الْجِنَّ، فَانَّهُ الْمَحْمُودُ وَهَذَا مُحَمَّدٌ، وَأَنَا الْعَالِيُّ وَهَذَا عَلِيُّ، وَأَنَا الْفَاطِرُ وَهَذِهِ فَاطِمَةُ، وَأَنَا الْإِحْسَانُ وَهَذَا الْحَسَنُ، وَأَنَا الْمَحْسَنُ وَهَذَا الْحُسَيْنُ، الْيَتِيمُ بَعِزَّتِي أَنْ لَا يَأْتِيَنِي أَحَدٌ بِمِثْقَالِ ذَرَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ بَغْضٍ أَحَدِهِمْ إِلَّا - ادْخَلَهُ نَارِي، وَلَالِ ابَائِي. يَا آدَمُ هُوَ لَاءِ صَفْوَتِي، بِهِمْ أَنْجِيَهُمْ وَبِهِمْ أَهْلِكُهُمْ، فَإِذَا كَانَ لَكَ إِلَى حَاجَةٍ فِيهِمْ هُوَ لَاءِ تَوَسَّلْ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَحْنُ سَفِينَةُ النِّجَاحِ مِنْ تَعَلُّقٍ بِهَا نَجَا، وَمَنْ حَادَ عَنْهَا هَلَكَ، فَمَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ، فَلْيَسْأَلْ بَنِي أَهْلِ الْبَيْتِ (1).

ابوهريره از پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله نقل کرده است كه وقتى خداوند متعال آدم ابوالبشر را خلق نمود و در پيكر او روح دميد آدم به طرف راست عرش نگرست ديد پنج شبح و تمثال نور در حال سجود و ركوع هستند.

آدم عرض كرد: خداوندا آيا قبل از من كسى را از گل و خاك آفريده اى؟

از سوى پروردگار خطاب آمد: خير اى آدم!

ص: 59

عرض کرد: پس این پنج تن کیانند که آنان را به صورت و هیئت خود می بینم.

خطاب آمد: این پنج تن از فرزندان تو هستند که اگر آنان نبودند تو را خلق نمی کردم آنان پنج نفرند که پنج اسم برای ایشان از نامهای خود جدا کردم. اگر آنان نمی بودند (آنها را خلق نمی کردم) نه بهشت را می آفریدم و نه جهنم و نه عرش و نه کرسی و نه آسمان و نه زمین و نه ملائکه و نه انس و نه جن.

من محمودم و این وجود مقدس محمد است.

من عالی هستم و این وجود بلند مرتبه علی است.

من فاطر هستم و این سیده فاطمه است.

من احسان هستم و این وجود نیکو حسن است.

من محسن هستم و این وجود مقدس حسین است.

به عزت خودم قسم می خورم که هر کس به اندازه ذره ای از خردل از دشمنی ایشان در دل داشته باشد او را به دوزخ میفرستم و با کی هم ندارم.

ای آدم! ایشان برگزیدگان من هستند، دیگران را به خاطر ایشان نجات می دهم و به خاطر ایشان هلاک می کنم هر گاه حاجتی به من داشتی به ایشان متوسل شو و آنان را وسیله قرار ده.

پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ما کشتی نجات هستیم، هر کس به آن کشتی بپیوندد نجات می یابد و هر کس از آن فاصله بگیرد هلاک می شود و هر کس از خداوند حاجتی می خواهد باید به وسیله ما

اهل بیت درخواست کند.

پس از بررسی این مطلب به سراغ ادامه بحث اصلی می رویم:

بحث در این باره بود که با توجه به اعظم النعم بودن نعمت وجود امام و ولایت ایشان و با توجه به استحقاق بهترین شکرگزاری برای این نعمت، چگونه می توان از خداوند متعال به خاطر نعمت ولایت شکرگزاری نمود.

به بیان دیگر راههای شکرگزاری به درگاه خدای متعال به خاطر نعمت وجود امام زمان عجل الله فرجه چیست؟

عرض شد یکی از راهها شناخت و معرفت قلبی امام و فضایل و کمالات اوست.

### **چهره های دیگر شکرگزاری نعمت وجود امام زمان علیه السلام:**

مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی نویسنده کتاب شریف «مکیال المکارم» بعضی از اموری را که بوسیله انجام آنها انسان در مسیر شکرگزاری نعمت ولایت امام عصر عجل الله فرجه قرار می گیرد اینگونه معرفی می کند:

1- شناخت قلبی و معرفت این نعمت والای الهی

2- بیان کردن فضایل و نشر دلایل آن بزرگوار

3- صدقه دادن برای سلامتی وجود آن حضرت

4- روی آوردن به سوی حضرتش با انجام دادن کارهایی که مورد

ص: 61

پسند و موجب نزدیک شدن به درگاهش می باشد.

5- درخواست معرفت او از درگاه الهی تا از اهل شکر و اقبال به سوی او باشیم.

6- اهتمام به دعاهای خالصانه برای تعجیل فرج آن حضرت و برچیده شدن پرده ابتلای غیبت.

همچنین ایشان در بخش هشتم از این کتاب شریف به تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت در هشتاد مورد اشاره نموده است که علاقمندان به آن کتاب مراجعه کنند اما ما به مناسبت، بعضی از این وظایف را فهرست وار بیان می نماییم:

1- شناخت صفات و آداب و ویژگیهای آن جناب

2- محبوب نمودن ایشان در میان مردم و دعوت کردن مردم به سوی ایشان.

3- انتظار فرج و ظهور آن حضرت

4- مشتاق بودن نسبت به دیدار حضرت

5- ذکر مناقب و فضایل ایشان

6- اندوهگین بودن از فراق و دوری ایشان و گریستن و گریاندن در فراق حضرتش

7- حضور در مجالس فضائل و مناقب ایشان

8- تشکیل دادن مجالس ذکر مناقب و فضایل ایشان

9- قیام و بر پا ایستادن هنگام یادآوری نام یا القاب آن حضرت

ص: 62

10 - درخواست معرفت امام عصر عجل الله فرجه از خدای متعال و تداوم این درخواست

11 - خواندن دعاهای وارد شده در زمان غیبت

12 - شناخت علامتهای ظهور آن حضرت

13 - صدقه دادن برای سلامتی حضرت و صدقه دادن به نیابت ایشان

14 - انجام امور مستحبی به نیابت حضرت از قبیل حج، طواف، زیارت مشاهد مشرفه معصومین علیهم السلام، نماز، قرائت قرآن.

15 - تجدید بیعت با حضرت بعد از فرائض، همه روزه، و هر جمعه

16 - دادخواهی و توجه نمودن و عرض حاجت بر آن حضرت

17 - تهذیب نفس

18 - مقدم داشتن خواسته آن حضرت نسبت به خواسته خود

19 - وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقت گذاران

20 - تکذیب کردن مدعیان نیابت خاصه از آن حضرت در زمان غیبت کبری

21 - آرزوی دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان

22 - قرائت نماز آن حضرت

23 - پیوسته به یاد آن حضرت بودن و به آدابش عمل کردن

24 - دعا به درگاه الهی برای جلوگیری از نسیان و فراموشی یاد آن

حضرت علیه السلام

ص: 63

خواننده محترم و دوست عزیز!

همان طور که مشاهده می کنید آنچه که بیان شد تنها بخش اندکی از وظایف ما در برابر نعمت وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه و شکر نعمت برخورداری از ولایت حضرتش می باشد.

اما شاید آنچه که از همه مهمتر است همان دو مورد آخر یعنی مداومت یاد و ذکر حضرت می باشد چرا که سایر وظایف وقتی انجام می شود که انسان به یاد امام زمان عجل الله فرجه باشد و به حقوق آن حضرت نسبت به خود توجه داشته باشد تا بتواند برای شکرگزاری از نعمت وجود ایشانکاری انجام دهد ولی خدای نکرده اگر دچار غفلت از حضور حضرت و وجود مطهر و پر برکت یوسف زهرا سلام الله علیها شویم هرگز به دنبال وظایف خود در قبال ایشان نمی رویم.

اکنون بیایید مروری بر زندگی گذشته خود داشته باشیم.

سالها، ماهها و هفته های عمرمان را بررسی کنیم و از خودمان پرسیم:

چقدر به یاد غریب فاطمه حجت بن الحسن سلام الله علیهما بوده ایم؟

در طول مدت عمرمان چه کارهایی برای ایشان انجام داده ایم؟

ایشان که واسطه رسیدن همه نعمتهای پروردگار به ما می باشد.

ایشان که هر چه داریم از عنایت آن حضرت می باشد.

ایشان که بر خلاف ما اجرای رسم و رسوم جوانمردی و عطفوت را با

به یاد ما بودن و گره گشایی از مشکلات ما و دعا در حق ما به حد اعلایش رسانده اند چرا که خود فرموده اند:

إنا غیر مهملین لمراعاتکم، ولا ناسین لذکرکم

ما در رعایت و مواظبت از حال شما کوتاهی نمی کنیم و همیشه به یاد شما شیعیان هستیم!

اما متأسفانه از جانب ما جز گناه و خطا، ناجوانمردی، تبلی، سستی، غفلت از یاد خود و کم کاری در حق خویش چیزی نمی بیند!!!

شب، صبح می شود و صبح، شب می شود، روزها سپری می شود، هفته ها می گذرد، ماهها و سالها نیز از پی یکدیگر می آیند و می روند و لحظه به لحظه بر ناجوانمردی ما نسبت به فرزند غریب فاطمه سلام الله علیها افزوده می شود

اما با این حال ایشان در همه حال به ما عنایت دارند و ما را مشمول دعای خود قرار می دهند.

چه بلاهایی که به برکت دعا و گریه امام زمان از ما و خانواده ما دفع می شود با آنکه ما به آن توجه نداریم و از آن با خبر نمی شویم.

چه بلاهایی که به واسطه دعای حضرتش از جامعه و ملت شیعه دور می شود و ما مطلع نیستیم.

آری ولی عصر در نهایت غربت است!!!

بسیار واضح است که وظائف مدعیان دوستی و ارتباط با

ص: 65

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در برابر ایشان بسی سنگین تر از بیگانگان با آن حضرت می باشد. با آنکه ما با ارتکاب معاصی موجبات ملالت و افسردگی و اندوه ایشان را فراهم آورده ایم و آنچنان به وظائف خود بی توجه و از آن حضرت غافل می باشیم که حتی از خواندن دعای فرج در قنوت نماز برای ایشان دریغ می کنیم!!

آری کوچکترین کاری که از دستمان برمی آید دعا برای سلامتی و ظهور حضرتش است که ای چه بسا از انجام همین کار غفلت داریم!

عامل کوتاهی در شناخت و عمل به وظائف:

براستی چرا ما نسبت به امام عصر بی معرفت و در انجام وظائف خود کوتاهی می کنیم؟

جواب این سؤال روشن است، چون در زندگی های خود جای خالی او را احساس نمی کنیم و به همین زندگی های مادی قناعت نموده و اصلاً نیاز به ظهور حضرت را احساس نمی کنیم.

از این رو اگر گاهی برای فرج ایشان دعا می کنیم این دعا برخاسته از احساس نیاز و حاجت واقعی نیست بلکه حیانا حالت تشریفاتی دارد. یعنی چون به ما گفته اند دعا کنیم، دعا می کنیم! نه اینکه واقعا غیبت ایشان در زندگی ما ایجاد خط کرده باشد و احساس کمبود شدید نسبت به ظهور حضرت داشته باشیم.

ص: 66



شاهد این حقیقت آنست که اگر هنگام شب از ما بپرسند شما در طول امروز چه مشکلاتی داشتید؟ آیا محرومیت از درک محضر حجت خدا و ولی عصر امام زمان علیه السلام را حتی به عنوان یکی از مشکلاتی که از صبح تا به شب درگیر آن بودیم مطرح می کنیم؟!!

ما لذت زندگی در سایه سار حکومت عدل الهی امام زمان را نچشیده ایم و خبر نداریم که وقتی حکومت حضرتش به امر خدا در تمام جهان گسترش یابد چه زندگی آرمانی و ایده آلی از جهت رشد مادی و معنوی برای انسان ها فراهم می شود که مثل بهترین زندگی های این دوره و زمانه از جهات مادی و معنوی نسبت به آن زمان مانند زندگی در زندان با اعمال شاقه نسبت بهیک زندگی مرفه با تمام امکانات است (1).

عجز از سپاسگزاری و شکرگزاری از امام زمان عجل الله فرجه

چنانچه به توفیق خدای متعال و عنایت حضرت بتوانیم کار کوچکی برای حضرت انجام دهیم باز این عمل شکر وساطت یکی از نعمتهایی که از طریق ایشان به ما رسیده است نمی باشد. چرا که

ص: 67

---

1- برای اطلاع بیشتر به کتاب «کمال هستی» نوشته استاد محترم حاج شیخ محمدباقر علم الهدی مراجعه نمایید.

باز همان کار را با توفیقی که از طریق ایشان به ما عنایت می شود انجام می دهیم زیرا ایشان ولی نعمت و واسطه رحمت می باشند و هر نعمتی به وساطت ایشان به ما می رسد. بنابر این باز این توفیق خود مستلزم شکری به درگاه امام است و آن شکر، مستلزم شکری دیگر که این مسیر به عجز و تسلسل می انجامد!

فلذا همانطور که ما از شکر یک نعمت از نعمتهای خدای متعال عاجزیم - به همان دلیلی که از ابتدای بحث مفصلاً بیان شد - با ملاحظه واسطه نعمت بودن ائمه نیز باید بگوئیم که حتی از شکر وساطت یک نعمت، به درگاه امام زمان عجل الله فرجه عاجزیم!!!

بنابراین در نهایت باید با کمال خضوع و خشوع و با احساس عجز و کوچکی در مقابل قطب عالم امکان و بهانه خلقت جهان پس از به کار بردن منتهای سعی و تلاش و توان و امکانات در مسیر انجام وظایف خطیر خود در مقابل حضرتش به ایشان عرضه بداریم:

يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الصُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.

ص: 68

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا وَغَيَّبْتَ أَمَانَنَا وَشَدَّدْتَ الزَّمَانَ عَلَيْنَا وَوَفَّوَعْتَ الْفِتْنَ بِنَا وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءُ عَلَيْنَا وَكَثُرَتْ عَدُوَّنَا وَقَلَّتْ عَدَدِنَا.

اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرٍ مِنْكَ تَعِزُّهُ وَإِمَامٍ عَدَلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

خدایا هر آینه ما شکوه می کنیم بسوی تو بخاطر فقدان پیامبرمان و غیبت اماممان و سختی روزگار بر ما و پیش آمدن فتنه بر ما و پشتیبانی نیروهای دشمنان بر علیه ما و بسیاری دشمنان و کمی تعدادمان.

بار خدایا بگشا این اندوه را از ما بوسیله گشایشی از سوی خودت که در آن شتاب کنی و بوسیله یاری و پیروزی از جانب خود که آن را عزت دهی و بوسیله امام عادل که آشکارش می گردانی، ای خدای حق اجابت فرما!

فرازهایی از دعای دوران غیبت امام زمان علیه السلام

کمال الدین 2:514 و بحار الأنوار 189:53 ح 18

ص: 69

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم\*\*\* از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم  
سرمایه ز کف رفت و تجارت نمودیم\*\*\* جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم  
ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر\*\*\* آبی به جز از خون دل خود نچشیدیم  
ای حجت حق پرده ز رخسار برافکن\*\*\* کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم  
ای بسته به زنجیر تو دل‌های محبان\*\*\* رحمی که در این وادیه بس رنج کشیدیم  
شمشیر کجاست راست کند قامت دین را\*\*\* هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم

ص: 70

## منابع مورد استفاده

قرآن کریم اصول کافی ثقه الاسلام کلینی

بحار الأنوار علامه مجلسی

تفسیر برهان

تفسیر نورالثقلین

الغدیر علامه امینی

کمال الدین شیخ صدوق

لغت نامه دهخدا

مستدرک وسائل الشیعه میرزای نوری

مستدرک سفینه البحار علامه نمازی

مفردات راغب اصفهانی

مکیال المکارم سید محمد تقی اصفهانی

ص: 71



پیش گفتار...7

اولین روایت: شکر و آثار آن...10

دومین روایت: شکر و آثار آن...10

سومین روایت: شکر و آثار آن...10

چهارمین روایت: شکر و آثار آن...11

پنجمین روایت: شکر و آثار آن...12

بخش اول: معانی و چهره های شکر...15

معنای شکر در لغت...17

چهره های شکر...18

1- شناخت نعمت...18

بیان مرحوم مجلسی درباره شناخت نعمت...18

2 - ستایش به زبان: ...19

حضرت نوح بنده شکور...20

توفیق شکر گزاری خود نعمتی بالاتر است...21

عجز انسان از شکر کوچکترین نعمت...22

3 - سجده شکر: ...24

4 - نماز شکر: ...26

5 - اجتناب از محرّمات الهی...27

بخش دوم: ارزش گزاری نعمت از دیدگاه خداوند...31

سؤال از نعمت نشانه اهمیت آن نعمت است: ...34

روایت اول: روایت حنان بن سدير از امام صادق عليه السلام... 34

ص: 73



روایت دوم: روایت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره سؤال از چهار نعمت... 36

توضیح روایت دوم: 37...

روایت سوم: روایت عبدالله بن نجیح از امام صادق درباره آیه آخر سوره تکاثر... 40

روایت چهارم: سؤال از ابوحنیفه از امام صادق علیه السلام از «نعیم»... 41

ولایت ائمه معصومین علیهم السلام اعظم النعم است: 43...

دلیلی از روایات: 43...

دلیل عقلی: 44...

آیا با ارزش ترین نعمت سزاوار برترین شکر نیست؟ 45...

در عصر کنونی چگونه می توان شکر نعمت وجود امام زمان علیه السلام را به درگاه خداوند به جای آورد؟ 46...

روایات مربوط به لزوم شناخت و معرفت امام... 47

نقش دعا در زمینه معرفت امام زمان: 50...

روایات مربوط به شناخت فضایل و خصایص و کمالات امام... 52

وظایف دیگر در زمینه شکرگزاری نعمت وجود ولی عصر حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه الشریف... 54

امام واسطه رحمت و ولی نعمت... 55

دلیل دیگر بر اعظم النعم بودن امام زمان... 58

هستی طفیل وجود امام است... 58

چهره های دیگر شکرگزاری نعمت وجود امام زمان علیه السلام: 61...

عامل کوتاهی در شناخت و عمل به وظائف: 66...

عجز از سپاسگزاری و شکرگزاری از امام زمان عجل الله فرجه... 67

فرازی از دعای امام زمان در زمان غیبت... 69

منابع مورد استفاده... 71



1. در روایت امام صادق علیه السلام عبارت «فعرّفها بقلبه» از دیدگاه مرحوم علامه مجلسی چگونه بر شکر نعمت دلالت می کند؟

الف. شکر نعمت به شناختن قدر و ارزش آن نعمت است

ب. شکر هر نعمتی باید بصورت قلبی باشد

ج. شکر هر نعمتی به اینست که انسان معرفت پیدا کند که این نعمت را خدا به او عطا کرده است

د. موارد الف و ج

2. بر طبق فرمایش امام باقر علیه السلام قرآن حضرت نوح علیه السلام را به چه دلیل «عبد شکور» معرفی می کند:

الف. بدلیل شناخت نعمت

ب. بدلیل شکر زبانی بعد از معرفت قلبی

ج. عبادت فراوان پروردگار

د. شکر گزاری با عمل به دستورات خدا

ص: 75

3. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از شنیدن چند بشارت از جانب خداوند توسط جبرئیل چگونه شکر گزاری کردند؟

الف. فقط با ذکر زبانی

ب. نماز شکر خواندند

ج. پنج مرتبه سجده شکر بجای آوردند

د. هیچکدام

4. بر اساس فرمایش امام صادق علیه السلام به ابو حنیفه مراد از «نعیم» در آیه «ثم لتسالن یومئذ عن النعیم» چیست؟

الف. خوردنیها و آشامیدنیها

ب. اهل بیت عصمت و طهارت

ج. مال و اموال

د. نعمت جوانی

5. «آلاء الله» در آیه شریفه «فاذکروا آلاء الله» بر اساس فرمایش امام صادق علیه السلام چیست؟

الف. برترین نعمت

ب. نعمت هستی

ج. ولایت اهل بیت

د. موارد الف و ج

ص: 76

6. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چه چیزی را مرگ جاهلیت می دانند؟

الف. معرفت نداشتن نسبت به امام زمان

ب. شکر گزار نبودن نسبت به نعمتهای خداوند

ج. پیروی نکردن از دستورات امام زمان

د. هیچکدام

7. عبارت «أولیاء النعم» در زیارت جامعه کبیره بر کدامیک دلالت دارد؟

الف. امام زمان ولی نعمت ما هستند

ب. ملائکه کارگزاران امام زمان در تقسیم نعمتها و ارزاق به انسانها هستند

ج. امام زمان واسطه هر رحمتی و نعمتی از جانب خدا به مخلوقات می باشند

د. همه موارد

8. بر طبق فرمایش حضرت رضا علیه السلام اگر امام زمان که حجت خدا می باشند، روی زمین نباشند چه اتفاقی می افتد؟

الف. زمین دیگر حاصلخیز نخواهد بود

ب. نعمتهای خداوند برکتش را از دست می دهد

ج. زمین اهلش را در خود فرو می برد

د. دیگر از آسمان باران نخواهد بارید و زمین خشک می شود

ص: 77

9. شکر گزاری از خداوند متعال به جهت بهره مندی از نعمت وجود امام زمان چگونه است؟

الف. کسب معرفت نسبت به امام زمان و بیان فضایل آن حضرت

ب. صدقه دادن برای سلامتی حضرت و خواندن دعاهای وارد شده در زمان غیبت

ج. دعای خالصانه برای تعجیل فرج امام زمان و تشکیل دادن مجالس ذکر فضائل ایشان

د. همه موارد

10. عامل کوتاهی ما در شناخت و عمل به وظایفمان در برابر امام زمان چیست؟

الف. مشغول به زندگی دنیا شدن

ب. احساس نیاز نسبت به ظهور حضرت نداشتن

ج. نپشیدن لذت زندگی در سایه سار حکومت عدل امام زمان

د. همه موارد

ص: 78



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

